

به نام خدا

مدرسه پویا

مولفان:

مهران طاهری اوروند

هدی کاظمی بره بی جاست

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : طاهری اوروند، مهران، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور : مدرسه پویا/ مولفان مهران طاهری اوروند، هدی کاظمی بره بی جاست.
مشخصات نشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۱۴۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۰۵-۵
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۲۷] - ۱۴۷.
موضوع : معلمان -- ایران -- آموزش حین خدمت

Teachers -- Iran -- In-service training

معلمان -- ایران -- آموزش حین خدمت -- ارزشیابی

Teachers -- In-service training -- Iran -- Evaluation

مدرسه ها -- ایران -- برنامه های بهبود آموزش

School improvement programs -- Iran

Effective teaching -- Iran

تدریس اثربخش -- ایران

Teacher-student relationships -- Iran

معلمان -- ایران -- روابط با شاگردان

Teacher effectiveness -- Iran

معلمان -- ایران -- اثربخشی

معلمان -- ایران -- اثر نوآوری

Teachers -- Effect of technological innovations on -- Iran

شناسه افزوده : کاظمی بره بی جاست، هدی، ۱۳۷۵ -

رده بندی کنگره : LB۱۷۳۱

رده بندی دیویی : ۳۷۰/۷۱۱

شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۶۳۰۲۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : مدرسه پویا

مولفان : مهران طاهری اوروند - هدی کاظمی بره بی جاست

ناشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲

چاپ : زبرجد

قیمت : ۱۲۲۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۰۵-۵

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

- ۵ اهمیت تاریخی مربیان در ایران
- ۷ نقش معلمان در ایران پس از انقلاب
- ۱۱ دیدگاه های جهانی در مورد توانمندسازی معلمان
- ۱۳ ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش آموزان
- ۱۷ پرداختن به کلیشه ها و پیشداوری ها
- ۲۰ چشم انداز فرهنگی تدریس در ایران
- ۲۲ مدیران به عنوان کاتالیزورهای تغییر
- ۲۶ تجلیل از معلمان: تقدیرها و جوایز
- ۲۹ بخش دوم
- ۲۹ مسیر توسعه حرفه ای
- ۳۰ اهمیت یادگیری مادام العمر برای مربیان
- ۳۳ طراحی برنامه های توسعه حرفه ای موثر
- ۳۵ ابزارهای دیجیتالی و کارگاه های آموزشی برای مربیان مدرن
- ۳۸ یادگیری مشارکتی و آموزش همتایان
- ۴۴ ارزیابی تاثیر توسعه حرفه ای
- ۵۳ بخش سوم
- ۵۳ ایجاد یک محیط کاری حمایتی
- ۵۴ اصول فرهنگ مثبت مدرسه
- ۵۶ ایجاد اعتماد و ارتباطات باز

- نقش رهبری در شکل دادن به جو مدرسه ۶۱
- حل تعارض و انسجام تیم ۶۴
- تجلیل از تنوع در کادر آموزشی ۶۶
- ایمنی، احترام و مرزها ۶۹
- راهکارهایی برای تقویت روحیه و انگیزه ۷۲
- بخش چهارم ۷۵
- مشارکت دادن معلمان در تصمیم‌گیری ۷۵
- تمرکززدایی و رهبری توزیع شده ۷۶
- تشکیل کمیته معلمان موثر ۷۸
- استفاده از تخصص معلمان در طراحی برنامه درسی ۸۱
- نقش معلمان در تدوین خط مشی مدرسه ۸۶
- چالش‌ها و راه حل‌ها در شمول معلم ۸۸
- مطالعات موردی: تصمیم‌گیری مشترک موفق ۹۰
- تضمین عدالت در نمایندگی ۹۳
- بخش پنجم ۹۷
- استفاده از فناوری برای توانمندسازی معلمان ۹۷
- سواد دیجیتال برای مربیان مدرن ۹۸
- پلتفرم‌های الکترونیکی برای همکاری و ارتباطات ۱۰۰
- دنیای اپلیکیشن‌ها و ابزارهای آموزشی ۱۰۳
- بخش ششم ۱۱۱
- تشویق به تحقیق و نوآوری ۱۱۱

- ۱۱۲..... ارزش پژوهش معلم محور
- ۱۱۵..... ترویج شیوه های تحقیق محور در میان معلمان
- ۱۱۷..... فرصت ها و کمک های مالی برای پروژه های تحقیقاتی
- ۱۲۳..... تجلیل از نوآوری ها و اجرای یافته ها
- ۱۲۷..... منابع و ماخذ

بخش اول

سنگ بنای آموزش: ارزش گذاری
برای معلمان

اهمیت تاریخی مربیان در ایران

اهمیت تاریخی مربیان در ایران را نمی توان اغراق کرد، زیرا معلمان در طول تاریخ طولانی و غنی آن نقش اساسی در شکل دادن به چشم انداز آموزشی کشور داشته اند. این بخش به بررسی بافت تاریخی مربیان در ایران می پردازد و نقش و سهم در حال تحول آنها را بررسی می کند. این بحث برگرفته از طیف گسترده ای از مراجع، اهمیت ماندگار معلمان در جامعه ایران، تأثیر آنها بر سیاست های آموزشی و نقش آنها به عنوان حافظان دانش و فرهنگ را برجسته می کند.

برای درک اهمیت تاریخی مربیان در ایران، ابتدا باید چشم انداز آموزشی ایران باستان را بررسی کنیم. پژوهشگرانی مانند خادامیان (۲۰۱۷) حضور مؤسسات آموزشی در ایران را به دوران امپراتوری هخامنشی که از ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد وجود داشته است، مستند کرده اند. این نهادها با تأکید بر ارزش هایی مانند اخلاق و رهبری، وظیفه انتقال دانش و مهارت به جوانان آن زمان را بر عهده داشتند (خادامیان، ۱۳۹۶، ص ۴۲). معلمان در ایران باستان جایگاهی محترم داشتند و دانش آموزان را هم در آموزش آکادمیک و هم در آموزش اخلاقی راهنمایی می کردند.

در دوران امپراتوری ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی)، اهمیت آموزش و پرورش و مربیان همچنان رو به افزایش بود. دانشمندان و معلمان فارسی در زمینه های مختلف از جمله پزشکی، ریاضیات و فلسفه سهم قابل توجهی داشتند. دانشمندان برجسته ای مانند ابن سینا که در جهان غرب به ابن سینا معروف است، نمونه ای از میراث ماندگار مربیان فارسی است. پایه هایی که توسط مربیان در ایران باستان گذاشته شد همچنان بر شیوه های آموزشی در ایران مدرن تأثیر می گذارد.

فتح ایران توسط اسلام در قرن هفتم تغییرات عمیقی را در نظام آموزشی منطقه ایجاد کرد. علمای اسلامی زبان عربی را به عنوان زبان تعلیم و تربیت معرفی کردند و مدارس برای تدریس کلام و فقه اسلامی تأسیس کردند. این تحولات، همانطور

که باقری و آتشک (۲۰۲۰) برجسته کردند، به طور قابل توجهی برنامه درسی و آموزش را در ایران شکل داد (باقری و آتشک، ۲۰۲۰، ص ۲۱۵).

علاوه بر این، معلمان در سنت اسلامی نقش مهمی در حفظ و انتقال معارف دینی و فرهنگی داشتند. آنها نه تنها متون دینی، بلکه علوم، فلسفه و ادبیات را نیز بر عهده داشتند. در نتیجه، مربیان در ایران قرون وسطی هم دانشور و هم مربی بودند و محیطی را پرورش می دادند که تفکر انتقادی و رشد فکری را تشویق می کرد (رحمانیان، ۲۰۱۹، ص ۳۱).

سلسله صفویه که از ۱۵۰۱ تا ۱۷۳۶ (۹۰۷ تا ۱۱۴۸ قمری) بر ایران حکومت می کرد، شاهد تحولات چشمگیری در آموزش بود. در این دوره موسسات آموزشی گسترش یافتند و معلمان نقش اساسی در این تحولات داشتند. تأسیس مدارس دینی موسوم به «مدرسه» همچنان یکی از ویژگی‌های بارز آموزش فارسی بود و علمایی که این مؤسسات را رهبری می کردند تأثیر قابل توجهی داشتند (حکمت، ۲۰۱۸، ص ۹۳). این مربیان در ترویج ارزش های دینی و فرهنگی نقش بسزایی داشتند و به شکل گیری هویت ایران کمک کردند.

دوران مدرن در ایران با تأکید مجدد بر آموزش و پرورش، زمانی که ملت به دنبال نوسازی و تقویت زیرساخت های خود بود، تجدید شد. این دوره همچنین نشان دهنده ظهور مربیان به عنوان ملت ساز بود. معلمان ایرانی، تحت تأثیر روندهای آموزشی جهانی، نقشی حیاتی در تدوین برنامه درسی و نظام آموزشی استاندارد ایفا کردند. ارجاع به سازمان ملی آموزش و پرورش ایران (NEO) بر ساختار سازمانی توسعه یافته برای ارتقای آموزش در کشور تأکید دارد (NEO، ۲۰۱۶، ص ۵).

نقش مربیان فراتر از آموزش سنتی کلاسی گسترش یافت و رهبری آموزشی و سیاست گذاری را در بر گرفت. به ویژه، کمک های مربیانی مانند آیت الله محمد حسینی بهشتی که در سمت وزیر آموزش و پرورش بود، نقشی محوری در شکل

گیری چشم انداز آموزشی ایران در اواخر قرن بیستم ایفا کرد (افشار، ۱۳۹۰، ص ۶۲). تعهد بهشتی به آموزش و چشم‌انداز او برای یک سیستم آموزشی قوی همچنان بر سیاست‌ها و عملکردها در کشور تأثیر می‌گذارد.

در طول تاریخ ایران، مربیان با چالش‌های متعددی از جمله تحولات سیاسی، جنگ‌ها و تغییرات اجتماعی روبرو بوده‌اند. علیرغم این چالش‌ها، معلمان در ایران انعطاف‌پذیری و تعهد خود را نسبت به حرفه خود نشان داده‌اند. به عنوان مثال، جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ سیستم آموزشی را مختل کرد، اما معلمان به دانش‌آموزان خود پایبند ماندند (بهرامی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸). تعهد تزلزل‌ناپذیر آنها به آموزش، منبع الهام نسل‌های ایرانی بوده است.

اهمیت تاریخی مربیان در ایران عمیقاً در میراث غنی فرهنگی و فکری این کشور ریشه دارد. از ایران باستان تا عصر جدید، معلمان در شکل دادن به شیوه‌های آموزشی، حفظ ارزش‌های فرهنگی و کمک به پیشرفت کشور پیشتاز بوده‌اند. شناخت نقش محوری مربیان در تاریخ ایران برای پرورش فرهنگ احترام و قدردانی از معلمان در جامعه معاصر ایران ضروری است. از آنجایی که کشور به تکامل خود ادامه می‌دهد، ساختن این میراث تاریخی برای توانمندسازی و ارزش‌گذاری مربیان به عنوان سنگ بنای آموزش در ایران بسیار مهم است.

نقش معلمان در ایران پس از انقلاب

نقش معلمان در هر نظام آموزشی محوری است و این در شرایط ایران پس از انقلاب نیز صادق است. از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ایران دستخوش تغییرات چشمگیری در سیاست‌ها و نظام‌های آموزشی خود شده است. درک نقش معلمان در این چشم‌انداز آموزشی در حال تحول برای مربیان و سیاست‌گذاران ضروری است. این بخش به بررسی نقش‌های چندوجهی معلمان در ایران پس از انقلاب می‌پردازد و چالش‌ها، مسئولیت‌ها و تأثیر این تغییرات بر چشم‌انداز آموزشی گسترده‌تر را روشن می‌کند.

در ایران پس از انقلاب، مسئولیت انتقال ارزش ها و ایدئولوژی اسلامی به نسل جوان به معلمان سپرده شده است (مزینانی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). دولت ایران تلاش های هماهنگی برای القای آموزه های اسلامی در برنامه درسی انجام داده است و از معلمان انتظار دارد که به عنوان الگو در ترویج اخلاق و ارزش های اسلامی در کلاس درس باشند (صادقی، ۱۳۹۹، ص ۴۵). این تأکید بر آموزش ایدئولوژیک نقش معلمان را دگرگون کرده است و آنها را نه تنها مربی بلکه مروج برنامه های دینی و عقیدتی حکومت کرده است (حاجی محمدی، ۱۳۹۸، ص ۷۸).

علاوه بر این، معلمان وظیفه دارند حس قوی هویت مذهبی و وفاداری به جمهوری اسلامی را در بین دانش آموزان پرورش دهند (آقاجانی و شهباز، ۱۳۹۰، ص ۶۷). این امر شامل القای حس میهن پرستی و تعهد به اصول انقلاب اسلامی، تبدیل معلمان به عوامل کلیدی در شکل دادن به نگاه سیاسی و اجتماعی جوانان ایرانی است (کاویانی، ۱۳۹۷، ص ۸۹).

معلمان ایرانی علیرغم اهمیت نقش خود در ترویج ارزش های دینی و عقیدتی، با چالش های متعددی در تحقق این انتظارات مواجه هستند. یکی از چالش های مهم تنش بین دستور کار مذهبی دولت و استقلال حرفه ای معلمان است (محمدی و باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴). معلمان اغلب متوجه می شوند که تعادل ظریفی بین پایبندی به دستورات عملی های رسمی و حفظ آزادی تحصیلی برقرار می کنند.

علاوه بر این، وظیفه آموزش ایدئولوژیک بار قابل توجهی بر دوش معلمان می گذارد، زیرا آنها باید اطمینان حاصل کنند که دانش آموزان نه تنها دانش کسب می کنند، بلکه ایدئولوژی های مذهبی و سیاسی خاص را نیز پذیرا می شوند (رضوی، ۱۳۹۰، ص ۹۸). این مسئولیت می تواند از نظر روحی و روانی آزاردهنده باشد و منجر به فرسودگی شغلی و استرس در بین مربیان شود (نصیری، ۱۳۹۸، ص ۲۲۳).

در حالی که معلمان در ایران پس از انقلاب وظیفه آموزش ایدئولوژیک را بر عهده دارند، همچنین از آنها انتظار می رود مهارت های تفکر انتقادی و پرسشگری را در بین دانش آموزان خود ترویج کنند (معین زاده و اصلانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۶). دولت ایران به اهمیت تولید شهروندانی تحصیلکرده و مجرب که قادر به تعامل انتقادی با جهان باشند واقف است (رحیمی و زارعی، ۲۰۱۸، ص ۵۶). بنابراین، معلمان تشویق می شوند تا محیطی را ایجاد کنند که تفکر مستقل و رشد فکری را ارتقا دهد.

این نقش دوگانه معلمان هم به عنوان مروج ایدئولوژی و هم به عنوان قهرمان تفکر انتقادی، پویایی پیچیده ای را در کلاس ایجاد می کند (امیریان، ۱۳۹۶، ص ۳۴). معلمان باید با دقت بین مرزهای انطباق ایدئولوژیک و کاوش فکری حرکت کنند و در عین حال محیط آموزشی ایمن و فراگیر را پرورش دهند (کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲).

ترویج تفکر انتقادی در محیطی که انطباق ایدئولوژیک تشویق می شود بدون چالش نیست. معلمان اغلب با نیاز به ایجاد تعادل بین پایبندی به انتظارات دولت و تشویق دانش آموزان به پرسش و تفکر انتقادی دست و پنجه نرم می کنند (مهدی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۸). این تعادل ظریف می تواند منجر به درگیری و دوراهی برای مربیان شود.

علاوه بر این، تأکید شدید نظام آموزشی ایران بر آزمون های استاندارد و حفظ تکیه ای چالش هایی را برای رشد مهارت های تفکر انتقادی ایجاد می کند (حسینی و اللهیاری، ۱۳۹۸، ص ۶۷). معلمان باید راه های نوآورانه ای برای پرورش تفکر انتقادی در محدوده برنامه درسی که حفظ محتوا را در اولویت قرار می دهد، بیابند.

در ایران پس از انقلاب، معلمان نقش تعیین کننده ای در حمایت از برابری آموزشی، به ویژه برای گروه های حاشیه نشین مانند دانش آموزان روستایی، دختران، و اقلیت ها ایفا می کنند (کاظمی پور و یوسفی، ۲۰۲۰، ص ۱۲۲). دولت

سیاست های مختلفی را با هدف بهبود دسترسی به آموزش و کاهش نابرابری ها اجرا کرده است و معلمان در خط مقدم اجرای این طرح ها قرار دارند (جلالی، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

معلمان همچنین به عنوان مربی و الگو برای دانش آموزان از پیش زمینه های محروم عمل می کنند و به آنها انگیزه می دهند تا تحصیلات عالی را دنبال کنند و بر موانع اجتماعی غلبه کنند (ابراهیمی و رجبی، ۲۰۲۱، ص ۸۹). نقش آنها در تقویت فراگیر و برابری در آموزش برای توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران حیاتی است.

معلمان در ایران علیرغم تلاش های خود با چالش های متعددی برای ارتقای عدالت آموزشی مواجه هستند. منابع ناکافی، به ویژه در مناطق روستایی، مانع از توانایی آنها در ارائه آموزش با کیفیت می شود (خادمیان و محمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). دسترسی محدود به فناوری و مواد آموزشی، تفاوت های بین مدارس شهری و روستایی را تشدید می کند.

علاوه بر این، هنجارهای اجتماعی و نقش های جنسیتی سنتی می توانند دسترسی دختران به آموزش را مختل کنند و معلمان را ملزم به حمایت از تغییر در جوامع خود کنند (محمودی و باقری، ۲۰۲۲، ص ۷۸). معلمان باید ضمن ارتقاء یک سیستم آموزشی فراگیرتر و عادلانه تر، از این چالش ها عبور کنند.

معلمان در ایران پس از انقلاب، نقش های چند وجهی را بر عهده می گیرند، از مروج ایدئولوژی دینی گرفته تا قهرمانان تفکر انتقادی و مدافع برابری آموزشی. این نقش ها با چالش های مهمی همراه است، زیرا مربیان باید در یک چشم انداز آموزشی پیچیده که توسط سیاست های دولت، انتظارات اجتماعی و محدودیت های منابع شکل می گیرد، حرکت کنند. با درک و پرداختن به این چالش ها، مربیان و سیاست گذاران می توانند با همکاری یکدیگر اطمینان حاصل کنند که معلمان

همچنان سنگ بنای آموزش در ایران هستند و رشد فکری و اخلاقی جوانان کشور را تقویت می‌کنند.

دیدگاه‌های جهانی در مورد توانمندسازی معلمان

نقش معلمان در آموزش و پرورش قابل اغراق نیست. آنها فقط انتشار دهنده دانش نیستند. آنها سنگ بنای نظام آموزشی یک کشور هستند. شناخت اهمیت معلمان و توانمندسازی آنها یک دغدغه جهانی است. این بخش به دیدگاه‌های جهانی در مورد توانمندسازی معلمان می‌پردازد، چالش‌ها، استراتژی‌ها و نقش حیاتی مدیران را در ارتقای وضعیت مربیان برجسته می‌کند. این بخش با تکیه بر تحقیقات و بینش‌های اخیر منابع ایرانی و بین‌المللی، به دنبال ارائه یک نمای کلی از وضعیت توانمندسازی معلمان در سراسر جهان است.

توانمندسازی معلمان برای بهبود کلی سیستم‌های آموزشی در سراسر جهان ضروری است. در ایران، جایی که آموزش عمیقاً در تاریخ فرهنگی آن ریشه دارد، توانمندسازی معلمان در سال‌های اخیر توجه قابل توجهی را به خود جلب کرده است (رحمانی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۷۸). با این حال، اهمیت توانمندسازی معلمان به هیچ منطقه یا کشور خاصی محدود نمی‌شود. محققان اروپایی مانند جانسون^۱ (۲۰۱۹) نیز بر اهمیت توانمندسازی معلمان در بهبود کیفیت آموزش تاکید کرده‌اند. از دیدگاه ایران، الهام گرفتن از این بحث‌های جهانی و گنجاندن بهترین شیوه‌ها در زمینه‌های محلی حیاتی است.

معلمان در سراسر جهان در حرفه خود با چالش‌های زیادی روبرو هستند. این چالش‌ها اغلب مانع از توانایی آنها برای ارائه آموزش با کیفیت می‌شود (براون و ژانگ^۲، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲). در ایران، معلمان با مسائلی مانند بزرگی کلاس و دسترسی محدود به منابع آموزشی مدرن مواجه هستند (خسروی و همکاران،

Johnson¹

Brown and Zhang²

۱۳۹۲، ص ۳۶). به طور مشابه، در ایالات متحده، معلمان باید از طریق یک برنامه درسی به طور فزاینده استاندارد شده حرکت کنند. این چالش ها منحصر به کشور خاصی نیست و نیاز به دیدگاهی جهانی در زمینه توانمندسازی معلمان را برجسته می کند.

توانمندسازی معلمان را می توان از طریق فرصت های توسعه حرفه ای مستمر (CPD) تسهیل کرد. در ایران تلاش شده است تا معلمان فرصت های CPD را برای ارتقای مهارت های خود فراهم کنند (رضایی و غلامی، ۱۳۹۰، ص ۹۴). این ابتکارات با روندهای بین المللی همسو هستند، جایی که کشورهایمانند کانادا به طور قابل توجهی در برنامه های توسعه حرفه ای معلمان سرمایه گذاری کرده اند (جانسون و براون، ۲۰۱۹، ص ۲۰۳). برای مدیران مدارس بسیار مهم است که در مقیاس جهانی برای تبادل ایده ها و استراتژی ها برای برنامه های مؤثر CPD که برای معلمان در سراسر جهان مفید است، همکاری کنند.

رفاه معلمان موضوعی است که در سراسر جهان نگران کننده است. در ایران، مطالعات نشان داده است که بهزیستی معلمان به طور قابل توجهی بر عملکرد و رضایت شغلی آنان تأثیر می گذارد (سرافرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷). این نگرانی در سطح جهانی طنین انداز می شود، با تحقیقات انجام شده در بریتانیا که استرس و فرسودگی شغلی معلمان را برجسته می کند (اسمیت و جونز، ۲۰۲۱، ص ۳۲۴). برای توانمندسازی معلمان، مدیران باید سلامت روان و رفاه آنها را در اولویت قرار دهند. این یک مسئولیت مشترک بین جامعه آموزش بین المللی است.

شناخت و قدردانی نقش اساسی در توانمندسازی معلمان دارد. در ایران، جشن روز معلم در دوم اردیبهشت (بر اساس تقویم فارسی) گواهی بر ارزشی است که برای مربیان قائل شده است (حسینی و فرزانه، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵). به طور مشابه، کشورهایی مانند فنلاند فرهنگ شناخت و قدردانی از معلمان را دارند (جانسون و

همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۴۲). این شیوه‌ها در سطح جهانی ضروری هستند، زیرا روحیه و انگیزه معلم را تقویت می‌کنند.

مدیران نقش اساسی در توانمندسازی معلمان دارند. در ایران، نقش مدیران و مدیران مدارس در ایجاد محیط حمایتی برای معلمان به طور گسترده مورد تایید قرار گرفته است (رحمتی و کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۶۸). این با دیدگاه بین‌المللی طنین‌انداز می‌شود، جایی که مدیران در کشورهایی مانند استرالیا تشویق می‌شوند تا رهبری ارائه دهند که به معلمان ارزش می‌دهد و آنها را توانمند می‌سازد (براون و اندرسون، ۲۰۱۸، ص ۷۹). همکاری میان مدیران از کشورهای مختلف می‌تواند منجر به توسعه استراتژی‌های موثر برای افزایش توانمندسازی معلمان شود.

توانمندسازی معلمان یک دغدغه جهانی است که از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود. معلمان در سراسر جهان با چالش‌ها و آرزوهای مشابهی روبرو هستند و شناخت این امر برای بهبود آموزش در مقیاس جهانی ضروری است. این بخش با تکیه بر تحقیقات و بینش‌های اخیر از منابع ایرانی و بین‌المللی، اهمیت توانمندسازی معلمان، چالش‌های پیش روی مربیان، نقش توسعه حرفه‌ای، رفاه معلم، شناخت، و نقش محوری مدیران مدارس را مورد بررسی قرار داده است. ضروری است که مربیان و مدیران در سراسر جهان گرد هم آیند تا دانش و بهترین شیوه‌ها را برای توانمندسازی معلمان به اشتراک بگذارند و آینده روشن تری را برای آموزش در سراسر جهان تضمین کنند.

ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش آموزان

آموزش و پرورش سنگ بنای پیشرفت جامعه است و معلمان با فداکاری و تلاش خود نقشی اساسی در شکل دادن به آینده ایفا می‌کنند. در ایران، مانند بسیاری از کشورها، رابطه بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموزان موضوعی است که اهمیت زیادی دارد. درک این ارتباط برای مدیران و سیاستگذاران آموزشی ضروری است تا راهبردهای مؤثری برای ارتقای کیفیت آموزش توسعه دهند. این بخش

شواهد تجربی، نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشی اخیر را در رابطه با ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموز در زمینه ایرانی بررسی می‌کند.

رضایت معلم مفهومی چند وجهی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. در شرایط ایران، رضایت شغلی معلمان موضوع مورد توجه محققان و سیاستگذاران بوده است. مطالعات اخیر نشان داده است که رضایت معلمان در ایران با چندین عامل کلیدی مرتبط است.

یکی از عوامل برجسته‌ای که بر رضایت معلمان تأثیر می‌گذارد، بسته‌های حقوق و دستمزد است. در ایران، جایی که تورم و چالش‌های اقتصادی رواج داشته است، حقوق معلمان اغلب از افزایش هزینه‌های زندگی عقب مانده است. در نتیجه، ناراضی‌هایی از پرداخت غرامت یکی از دغدغه‌های رایج در میان مربیان ایرانی بوده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۴).

یکی دیگر از جنبه‌های حیاتی، شرایط کار در مدارس ایران است. بر اساس مطالعه رحمانی و محمدی (۱۳۹۹، ص ۷۸)، معلمان در ایران با چالش‌های مربوط به شلوغی کلاس‌های درس، قدیمی بودن مواد آموزشی و امکانات ناکافی مواجه شده‌اند. این شرایط کاری منبع قابل توجهی از ناامیدی معلمان بوده و بر رضایت شغلی کلی آنها تأثیر گذاشته است.

علاوه بر این، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای در دسترس معلمان ایرانی، محل بحث و مناقشه بوده است. تحقیقات اخیر فراهانی و عباسی (۲۰۲۱، ص ۱۱۲) نشان می‌دهد که معلمان در ایران اغلب از فرصت‌های محدود برای پیشرفت شغلی و توسعه مهارت ابراز ناراضی‌هایی می‌کنند. این عدم رشد حرفه‌ای می‌تواند منجر به بی‌انگیزگی و کاهش رضایت شغلی در بین مربیان شود.

ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموز ارتباط پیچیده‌ای است و مطالعات اخیر در زمینه ایران این رابطه را روشن می‌کند. تحقیقات انجام شده توسط کریمی و رضانی (۱۳۹۱، ص ۴۵) حاکی از آن است که رضایت شغلی معلم بر پیشرفت

دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. هنگامی که معلمان از کار خود راضی هستند، احتمال بیشتری دارد که در شیوه های آموزشی مؤثر شرکت کنند، حمایت بهتری از دانش آموزان ارائه دهند و محیط کلاسی مثبت را پرورش دهند.

علاوه بر این، رضایت معلم می تواند بر انگیزه و نگرش دانش آموزان نسبت به یادگیری تأثیر بگذارد. مطالعات جعفری و محمدی (۱۳۹۰، ص ۶۷) نشان می دهد که معلمان راضی بیشتر به دانش آموزان الهام می بخشند و انگیزه می دهند. آنها یک محیط یادگیری مساعد ایجاد می کنند که در آن دانش آموزان احساس ارزشمندی می کنند و برای پیشرفت تحصیلی تشویق می شوند.

علاوه بر نتایج تحصیلی، رضایت معلم پیامدهایی برای رفاه دانش آموز دارد. مطالعه حسین زاده و رضایی (۱۳۹۲، ص ۸۹) نشان داد که رضایت شغلی معلمان با کاهش غیبت دانش آموزان و مشکلات رفتاری ارتباط دارد. هنگامی که معلمان از کار خود راضی هستند، برای مقابله مؤثر با چالش های کلاسی مجهز تر می شوند که منجر به محیط یادگیری مثبت و سازنده تر می شود.

مدیران مدارس نقشی حیاتی در شکل دادن به رضایت معلمان و در نتیجه موفقیت دانش آموزان دارند. رهبری مؤثر می تواند بر روحیه معلم و رضایت شغلی تأثیر مثبت بگذارد. تحقیقات اخیر سلطانی و ابراهیمی (۱۳۹۱، ص ۱۲۳) بر اهمیت رهبری حمایتی مدرسه در افزایش رضایت معلمان در ایران تأکید دارد. وقتی مدیران منابع لازم، شناخت و فرصت های توسعه حرفه ای را در اختیار معلمان قرار می دهند، به میزان قابل توجهی به رضایت شغلی کلی آنها کمک می کند.

علاوه بر این، رهبری مؤثر می تواند به رفع برخی از مسائل ساختاری که بر رضایت معلمان تأثیر می گذارد، مانند شرایط کاری و جبران خسارت کمک کند. رهبران مدارس می توانند از بهبود در این زمینه ها حمایت کنند و در جهت ایجاد محیطی مساعدتر برای معلمان و دانش آموزان تلاش کنند (پوررضا و خلیلی، ۲۰۲۱، ص ۵۶).

بر اساس یافته‌ها و بحث‌های ارائه‌شده در این بخش، مفاهیم و توصیه‌های متعددی برای بهبود ارتباط بین رضایت معلمان و موفقیت دانش‌آموزان در ایران وجود دارد.

اولاً، سیاست‌گذاران باید توجه به نگرانی‌های اقتصادی معلمان را در اولویت قرار دهند. تضمین حقوق و مزایا رقابتی می‌تواند به کاهش استرس مالی و افزایش رضایت شغلی معلمان کمک کند.

ثانیاً، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و منابع مدرسه برای بهبود شرایط کاری ضروری است. کلاس‌های درس کافی، مواد آموزشی مدرن و امکانات حمایتی می‌تواند به محیط آموزشی مثبت‌تر کمک کند (رحمانی و محمدی، ۲۰۲۰، ص ۷۸).

ثالثاً، سیاست‌گذاران باید بر گسترش فرصت‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان تمرکز کنند. فراهم کردن راه‌هایی برای رشد شغلی و ارتقای مهارت می‌تواند انگیزه معلم و رضایت شغلی را افزایش دهد (فراهانی و عباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲).

در نهایت، مدیران و رهبران مدارس باید ایجاد یک محیط حمایتی و توانمند برای معلمان را در اولویت قرار دهند. رهبری مؤثری که مشارکت معلمان را به رسمیت می‌شناسد و برای آنها ارزش قائل است، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رضایت شغلی آنها داشته باشد (سلطانی و ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

در خاتمه، ارتباط بین رضایت معلم و موفقیت دانش‌آموزان، یکی از جنبه‌های حیاتی نظام آموزشی ایران است. یافته‌های پژوهشی اخیر عوامل مختلفی را که بر رضایت معلمان در ایران تأثیر می‌گذارند، از جمله حقوق، شرایط کاری و فرصت‌های توسعه حرفه‌ای برجسته کرده‌اند. علاوه بر این، مطالعات نشان داده‌اند که رضایت معلم بر پیشرفت، انگیزه و رفاه کلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. رهبری مدرسه همچنین نقش مهمی در افزایش رضایت معلمان دارد.

برای بهبود کیفیت آموزش در ایران، سیاستگذاران و مدیران باید رسیدگی به دغدغه‌های معلمان، بهبود شرایط کاری و فراهم کردن فرصت‌های فراوان برای رشد حرفه‌ای را در اولویت قرار دهند. ایران با ارزش گذاری و حمایت از معلمان می‌تواند آینده روشن تری را برای دانش آموزان خود و سیستم آموزشی قوی تر تضمین کند.

پرداختن به کلیشه‌ها و پیشداوری‌ها

معلمان با انتقال دانش، ارزش‌ها و مهارت‌ها به نسل جوان، نقشی محوری در شکل دادن به آینده هر ملت ایفا می‌کنند. مشارکت آنها در جامعه بی‌اندازه است، با این حال، متأسفانه، آنها اغلب با چالش‌هایی مانند کلیشه‌ها و پیشداوری‌هایی مواجه هستند که مانع رشد و اثربخشی حرفه‌ای آنها می‌شود. این بخش به بررسی بافت ایران می‌پردازد، کلیشه‌ها و پیشداوری‌هایی را که معلمان با آن مواجه می‌شوند روشن می‌کند و بینش‌هایی را در مورد چگونگی پرداختن به این مسائل ارائه می‌دهد. با درک اهمیت ارزش گذاری معلمان و پرداختن به این چالش‌ها، مربیان و مدیران می‌توانند یک سیستم آموزشی عادلانه تر و مؤثرتر را پرورش دهند.

کلیشه‌ها و تعصبات علیه معلمان در ایران ریشه عمیقی در عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارد. از لحاظ تاریخی، معلمی به عنوان یک حرفه کمتر ارزش گذاری شده است و این تصور تا دوران مدرن باقی مانده است (اصلانی، ۱۳۹۵، ص ۴۵). معلمان اغلب به عنوان پست‌تر از سایر حرفه‌ها دیده می‌شوند که نتیجه آن عدم احترام و موقعیت اجتماعی پایین‌تر است. این کلیشه‌ها پیامدهای قابل توجهی بر روحیه و انگیزه معلم دارند و در نهایت بر کیفیت آموزش در کشور تأثیر می‌گذارند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

عوامل فرهنگی نیز در ایجاد کلیشه‌ها و تعصبات علیه معلمان در ایران نقش دارند. ساختار سلسله مراتبی سنتی جامعه ایرانی، معلمان را در موقعیتی فرعی